

آسیب‌شناسی چاپ و نشر متون (۱۵) داوری علمی، نقد حرفه‌ای

دور از انصاف است. لیکن رعایت حداکثری ضوابط لازم است. پدیدآورنده باید در تمامی مراحل تولید اثر علمی یا هنری، اصول علمی و آکادمیک را - البته پس از بررسی‌های اولیه و تهیه پیش‌نویس طرح تحقیقاتی (پروپوزال) خود - مراعات کند، چنان‌که در تحقیق کتابخانه‌ای که مبتنی بر مراجعه به منابع دست اول و معتبر است، ذکر مشخصات آنها و نحوه کاربرد مطالب در اثر ضروری به نظر می‌رسد. در اینجاست که پدیدآورندگان پخته‌خوار و بداخلاق که خود را در برابر نوشته‌هایشان مسئول و پاسخگو نمی‌دانند و از تیغ نقد دیگران هم بیم و هراس ندارند، و پایمال کردن حقوق معنوی دیگران برایشان عادی است، نام خود را به جای نام عالمان دیگر حک می‌کنند و از سرقت یک جمله گرفته تا ثبت تمامی یک کتاب به نام خود ابایی ندارند.

صاحب این قلم که در طول پانزده سال حیات فرهنگی خود، هم در تحقیق و تصحیح و ترجمه و ویرایش و هم در مدیریت اجرایی یک مؤسسه پژوهشی توفیق خدمت را داشته است، اگرچه خود را منزله از خطا و لغزش نمی‌داند و همواره سپاسگزار منتقدان منصف و دلسوز بوده است، پیوسته دغدغه مسائل فرهنگی، خصوصاً در حوزه نشر کتاب و متون کلاسیک را داشته است. نوشتن این سلسله‌مباحث آسیب‌شناسی، مثبت این مدعاست. با این توضیح، وارد این مبحث می‌شوم که گام اول برای پیشرفت در تولید آثار علمی منطبق با اصول

در شماره پیشین گفتیم که پژوهش، اساس مهندسی فرهنگ مکتوب است. در ادامه این بحث به دو موضوع دیگر می‌پردازیم. داوری و کارشناسی پیش از انتشار مقاله/ کتاب، و نقد و بررسی آن پس از انتشار، دو اصل دیگر در طراحی مهندسی فرهنگی حوزه نشر کتاب در کشور است که می‌بایست از سوی متولیان امور فرهنگی، اعم از نویسندگان و ناشران و مؤسسات علمی نشر، و مسئولان و مدیران اجرایی، مد نظر و نصب‌العین قرار گیرد. در این باره چند نکته را باید یادآور شد:

یک. تولید یک اثر که علی‌القاعده حاصل اندیشه و ذوق و هنر نویسنده یا پدیدآورنده آن است، باید مطابق با اصول و قواعد معتبر و استاندارد نشر یک کار علمی یا هنری باشد. کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های ساختاری و اجرایی قوانین نشر در کشور باعث نابسامانی مسائل انتشار کتاب شده است. از این رو، بازنگری در دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به آن، نخستین گام برای برون‌رفت از این معضل فرهنگی است.

دو. اصول تولید آثار علمی یا هنری برای کارشناسان و پدیدآورندگان آن ناشناخته نیست. کسی که دست به قلم می‌گیرد یا ناشری که قرارداد نشر کتاب را می‌بندد، باید هم با اصول تولید اثر و هم با مسائل اخلاقی و حقوقی نشر آشنا باشد. اینکه همه نویسندگان یا ناشران و مؤسسات علمی نشر قادر به رعایت همه اصول فنی و حقوقی نشر در همه مراحل آن باشند، طبعاً توقعی

استاندارد و شناخته شده، این است که نویسنده یا مؤسسه علمی انتشاراتی از نقد خود شروع کند. خودمشت مالی و خودشکنی مقدم بر شاخشکنی و نقد دیگران است. طبیعی است که مشق نانوشته غلط ندارد و تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش هم نهفته خواهد ماند و به قول ادبا «من صَنَفَ فَقَدْ اسْتَهْدَفَ»، هرکس بنویسد، خود را مورد هدف قرار داده است. پس باید پاسخگوی نوشته‌های خود باشد. از این رو نویسنده و ناشر باید هر دو ملتزم به رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای باشند.

سه. در فرآیند تولید اثر، بدیهی است که نویسنده و ناشر دچار لغزش‌ها و خطاهایی می‌شوند که صرفاً با داوری پیش از انتشار و نقد پس از انتشار — که البته بهتر است هم نقد حضوری باشد و هم مکتوب — هر دو به بلوغ علمی و کمال فکری و حرفه‌ای نزدیک می‌شوند. از این رو سزاوار است که هر نویسنده یا مترجم یا مصححی، پیش از آنکه اثر خود را به ناشر بسپارد، نسخه‌ای از کار خود را برای بررسی و نظرخواهی، به دو یا سه کارشناس و متخصص آن موضوع بدهد و نظرات سازنده و مفید آنان را مد نظر قرار دهد. با این کار — در صورتی که متن حروفچینی شده را داده باشد، که بهتر است همین کار را بکند — هم لغزش‌های روشی و محتوایی و علمی او گوشزد می‌گردد و هم تا اندازه‌ای از خطاهای مطبعی او کاسته می‌شود. در این صورت اگر حاصل کار خود را به ناشر پیشنهاد دهد، بالطبع ناشر در داوری و بررسی کارشناسی زودتر به نتیجه می‌رسد و فرآیند عقد قرارداد سرعت بیشتری می‌گیرد. حال این سؤال مطرح می‌شود: آیا ناشران معتبر و مؤسسات علمی و پژوهشی که کار نشر هم می‌کنند — یعنی حاصل پژوهش‌های محققان را در قالب کتاب منتشر می‌سازند — این روند را طی می‌کنند؟ علی‌القاعده مؤسسات علمی می‌بایست فراتر از این مراحل، اصول استاندارد نشر کتاب را رعایت کنند و هر اثر را در مسیر داوری و کارشناسی ویژه به تأیید و تصویب برسانند. متأسفانه واقعیت جامعه علمی ما جز این است. چه عیبی بزرگتر از این که چنین مراکزی، به‌رغم بودجه‌های کلان دولتی، در این مورد قصور و کوتاهی می‌کنند. به قول شاعر عرب که می‌گوید:

ولم أرَ فی عیوب الناس عیباً

کنقص القادرین علی التمام

یعنی در میان عیوب مردم، خطایی بزرگتر از این نیست که کسانی که می‌توانند کاری را به کمال انجام دهند، کوتاهی و اهمال می‌کنند، به اخلاق حرفه‌ای خود عمل نمی‌کنند و جامعه علمی را دچار آسیب‌های فرهنگی می‌سازند. اینجاست که به ضرورت داوری پیش از انتشار در زمینه‌های مختلف تولید اثر پی می‌بریم. زیرا داوری و ارزیابی و سنجش علمی مقاله، هم ضامن حفظ اعتبار آن مؤسسه علمی است و هم باعث اعتبار نویسنده و مترجم و مصحح می‌شود. داوری خدمت بی‌منت به محقق و نویسنده و ناشر است. داور هم خطاهای ویرایشی نویسنده را گوشزد می‌کند و هم لغزش‌های مطبعی ناشر را، و هم اینکه توصیه‌های او در بهبود اثر کارساز و سودمند خواهد بود. البته نویسنده مقاله یا مصحح متن، ملزم می‌شود که اخلاقاً حق معنوی داور را مراعات و در مقدمه کار از او و ناشر ذکری به میان آورد، هرچند داور وظیفه خود را بر اساس قراردادی که با ناشر دارد، انجام می‌دهد و باعث حفظ و افزایش حیثیت او نیز می‌شود. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در ماده ۴ قراردادهای خود، مصحح را ملزم کرده است که آنچه یاری و خدمت علمی به وی می‌رساند، از جمله تهیه تصاویر نسخ خطی، مقابله با تصویر نسخه اساس، نمونه‌خوانی، نمایه‌سازی و... همه را در مقدمه نسخه نهایی خود ذکر کند.

ماهنامه گزارش میراث با این انگیزه راه‌اندازی شد تا با درج اخبار نشر کتاب و چاپ مقالاتی کوتاه در نقد آثار مصححان و ناشران معتبر، این فرصت را برای دیگر مراکز علمی انتشاراتی ایجاد کند تا آنها هم اخبار منشورات خود را به همراه نقد و بررسی آثار دیگر مؤسسات عرضه کنند و فضای گفت‌وگوی بیشتر برای استانداردسازی مسائل نشر فراهم شود.

ماهنامه، اخیراً گزارشی از انتقال پایان‌نامه چاپ‌نشده یک استاد سرشناس را ارائه کرد که مؤسسه‌ای علمی غفلتاً آن را به نام کس دیگری چاپ و پخش کرده بود. این اطلاع‌رسانی مورد توجه محافل علمی قرار گرفت. همچنین داستان پایان‌نامه دیگری را چاپ کرد که دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد سال‌ها قبل با نمره ۱۶ از آن دفاع کرده بود و دیگری همان را عیناً و بی‌کم‌وکاست و فزونی برای مقطع دکتری ارائه داد و با نمره ۲۰ از آن دفاع کرد.



و باز ماهنامه خبر داد که ناشری دانشگاهی اثری را چاپ کرده است که اتفاقاً آن اثر در حوزه مباحث نسخه‌شناسی بود و در گزارش میراث هم نقدی بر آن چاپ شده بود، ولی به نظر می‌رسد که آن کتاب اصلاً مورد داوری پیش از انتشار قرار نگرفته، و این غفلت در داوری، به جایزه کتاب فصل هم راه یافته بود و متأسفانه کتاب در مراسم اهدای جوایز مورد تقدیر قرار گرفت. اگر آن داوران محترم نقد کوتاه گزارش میراث بر این کتاب را خوانده بودند، بعید می‌بود که بدان نمره جایزه‌آفرین بدهند.

حال که وضع مراکز علمی انتشاراتی چنین است، چه انتظاری از ناشران غیرعلمی داریم. ناشری با بیش از سی سال تجربه، اخیراً زمانی از گابریل گارسیا مارکز را چاپ کرد که خاطراتی از... است. از اینکه اداره کتاب وزارت ارشاد به این کتاب مجوز داده یا نه خبری نداریم، ولی ناشر کتاب، اگر حتی سطر اول آن را خوانده بود — البته اگر حمل بر صحت کنیم — بعید می‌بود که آن را چاپ کند. پرواضح است که این ناشران داورانی جز خود ندارند. یعنی اگر اداره کتاب ناشران را ملزم کند که هر کتاب را به یکی دو داور خبره و معتبر بدهند، و بعد نسبت به عقد قرارداد با مؤلف یا مترجم تصمیم بگیرند، کار به دستور جمع‌آوری کتاب نمی‌کشد که این کار احتمالاً نشر جلدسفیدی یا زیرزمینی آن را رونقی دوچندان می‌دهد. بنابراین داوری پیش از انتشار هم برای ناشر معمولی لازم است و هم برای مؤسسات علمی.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب برای چاپ مقاله در فصلنامه علمی-ترویجی آینه میراث، برگه‌ها و فرم‌هایی را طراحی کرده است که آنها را به همراه مقاله، برای حداقل دو داور جهت اظهارنظر می‌فرستد. غالباً این اظهارنظرها همراه با توصیه‌ها، پیشنهادها، گرفتن اغلاط مطبعی و خطاهای مؤلف در روش نگارش مقاله است

و تنها پس از انجام اصلاحات است که مقاله برای چاپ پذیرفته می‌شود.

در روند کار چاپ کتاب، دقتی بیش از این لحاظ می‌شود. نخست مصحح اثر باید درباره اهمیت اثر و ضرورت تحقیق آن مقاله‌ای ارائه دهد که در آینه میراث قابل چاپ باشد. سپس اثر پیشنهادی برای دو داور صاحب‌نظر ارسال می‌شود. مصحح ملزم است تصویری از نسخه اساس کار خود را ارائه دهد. مقابله گزینشی و اتفاقی اوراقی از کار او با نسخه، به دست کارشناسان مرکز انجام می‌شود تا میزان دقت و صحت تصحیح ارزیابی شود. در صورت تأیید نهایی کار از سوی داوران، فرآیند عقد قرارداد با مصحح طی خواهد شد. مصحح اخلاقاً موظف به ذکر کارهایی است که مرکز روی اثر انجام داده و به آن اعتبار بخشیده است. برخی از مصححان گاه جزئیات را ذکر و به نحو لطف‌آمیزی از همکاران مرکز سپاسگزاری می‌کنند.

مرکز پژوهشی میراث مکتوب، با راه‌اندازی فصلنامه آینه میراث، پیش از همه خود منتقد آثار و متون چاپ‌کرده خود بوده است. یک نسخه به منتقد داده می‌شود تا نظرات انتقادی خود اعم از ذکر اغلاط مطبعی، ذکر بدخوانی‌های مصحح و اشکالات فنی نشر را بیان کند. برگزاری بیش از شصت نشست نقد و بررسی کتاب برای نقد حضوری و رودررو، دلیل دیگری است که این مرکز انتقاد از خود و خودشکنی و خودمشت‌مالی را — به تعبیر استاد باستانی پاریزی — آغاز کرده که اتفاقاً دستاوردهای علمی ارزنده‌ای در پی داشته است. کتابی که توفیق چاپ دوم را یافته، تمام اصلاحات و نقدهای مکتوب و غیرمکتوب در آن اعمال شده و کار با شکل پیراسته‌تر و مقبول‌تری انتشار یافته است.

akbar.irani@mirasmaktoob.ir

akbar_irany@yahoo.com

